

زیباییهای کربلا

محمد محمدیان

دانش پژوهان اسلامی

سرشناسه	: محمدیان، محمد، ۱۳۳۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: زیبایی‌های کربلا / محمد محمدیان.
مشخصات نشر	: تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۴.
مشخصات ظاهری	: هشت، ۱۳۱ ص.
شابک	: 978-964-476-107-2
وضعیت فهرست‌نویسی	: فایا (چاپ دوم).
یادداشت	: چاپ ششم: ۱۳۸۷ (فایا).
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۱۲۹]-[۱۳۱]; همچنین به صورت زیر نویس.
موضوع	: حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق
موضوع	: واقعه کربلا، ۶۱ ق
موضوع	: واقعه کربلا، ۶۱ ق. - شعر
سازنده	: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
ردیف سی کنگره	: BP۴۱۵/م۲۸:۹
رده‌بندی دیوید	: ۹/۲۹۷۵۳۴
شماره کتابخانه ملی	: م۸۳-۴۲-۷۵



دفتر مرکزی: پاسداران، میدان هروی، خیابان شهید فخریاریان، کوچه مریم، پلاک ۲۳. تلفن: ۲۲۹۳۶۱۴۰

زیبایی‌های کربلا

نویسنده: محمد محمدیان

چاپ یازدهم: ۱۳۹۵

این کتاب در ۱۰۰۰ نسخه در چاپخانه کانون‌نچاپ، لیتوگرافی، چاپ و صحافی شد.

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۴۷۶ - ۱۰۷ - ۲

بها: ۶۵۰۰۰ ریال

مدیریت پخش و توزیع: تهران، خیابان فردوسی جنوبی، روبروی فروشگاه شهر و روس، بن بست

بن بست اول، پلاک ۵ و ۴ - تلفن: ۳۳۹۱۲۳۵۵ - ۳۳۹۲۰۳۰۷

فروشگاه‌ها و مراکز پخش:

- فروشگاه شماره یک: تلفن: ۶۶۴۶۹۶۸۵
- فروشگاه شماره دو: تلفن: ۳۳۱۱۴۲۸۸
- فروشگاه شماره سه: تلفن: ۲۲۸۵۵۱۶۴
- فروشگاه مشهد: تلفن: ۲ - ۳۳۲۱۴۸۳۱ - ۰۵۱
- نشانی الکترونیک: www.daftarnashr.com
- پست الکترونیک: print@dnfpub.com
- پیامک: ۳۰۰۰۴۸۵۰

خواهشمند است نظرات خود را درباره این کتاب با ذکر نام آن به صورت پیامک ارسال فرمایید.

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

فهرست

۱ مقدمه:

فصل اول: حق محوری

۹ به خدا سوگند راه ما حق است

۱۰ آیا نمی بینید که حق پایمال می گردد؟!؟

فصل دوم: عزت مدار

۱۴ آیا من با یزید بیعت نمایم؟ هرگز!

۱۵ هیچ گاه تن به دنائت و پستی نخواهم داد!

۱۶ اگر هیچ پناهگاهی هم نباشد بیعت نمی کنم!

۱۷ نه بیعت با ذلت و نه فرار با زبونی!

۱۸ هیهات متا الذلّة

۱۸ مرگ بهتر از پذیرش ننگ است!

فصل سوم: وفاداری و استقامت

۲۲ من یارانی باوفاتر از یاران خود سراغ ندارم!

- ۲۲ میان ما و مردم کوفه عهد و بیمانی است!
- ۲۵ اظهار وفاداری چند تن از یاران

فصل چهارم: دلسوزانه ترین برخوردها با دشمن

- ۲۸ استقبال از لشکر حرّ
- ۳۰ دعوت عبیدالله بن حرّ جعفی
- ۳۲ ملاقات با عمر بن سعد

فصل پنجم: زیباترین بازگشتها

- ۳۶ بازگشت زهرا
- ۴۱ توبه حرّ

فصل ششم: شور انگیزی جوانان و نوجوانان

- ۴۹ علی اکبر: آینه جمال رسول الله صلی الله علیه و آله
- ۵۱ شور جوانان هاشمی
- ۵۲ سیمای نورانی یادگار امام مجتبی علیه السلام
- ۵۵ دفاع عبدالله بن حسن علیه السلام از امام
- ۵۷ امیری حسین و نعم الامیر

فصل هفتم: پیر مردان زنده دل

- ۶۰ برافروختگی سیمای امام
- ۶۲ حبیب بن مظاهر صاحب سرّ امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۶۴ مسلم بن عوسجه، کوفی وفادار
- ۶۶ حنظله شبامی خطیب توانا

فصل هشتم: بزرگواری غلامان

- ۷۳ چون پیر غلام حضرت

۷۵ واضح، غلام ترک، قاری قرآن

فصل نهم: شیر زنان کربلا

۷۹ همسر و مادر شهید

۸۱ مادر و همسر ابو وهب

۸۲ اگر زینب نبود!

فصل دهم: عبادت‌های عاشقانه

۸۴ عصر تا سوغات برای عبادت و مناجات

۸۶ نغمه‌های مناجات رزمه‌های شب عاشورا

۸۷ نماز عشق در زیر آن تیره

۸۹ آخرین مناجات امام حسین

فصل از دهم: زیباترین شب تاریخ

۹۱ مدال افتخاری بر سینه یاران

۹۲ آزمونی برای خالص تر نمودن یاران

۹۳ اظهار وفاداری یاران

۹۶ بشارت شهادت

فصل دوازدهم: شجاعت و شهادت‌طلبی در کربلا

۱۰۱ از جان گذشتگان می‌توانند همراه من باشند

۱۰۲ آیا مرا از مرگ می‌ترسانی؟

۱۰۳ مرگ سعادت‌مند و یا زندگی نکبت‌بار

۱۰۳ لبخند شادی هنگام دریافت مرده شهادت

۱۰۴ شهادت: شیرین تر از عسل

۱۰۵ عرشیان نیز بشارت شهادت می‌دهند

۱۰۶ آماده عبور از پل مرگ و آزادی از زندان دنیا باشید!

- ۱۰۷ چو نان شیر حمله می کردند!
- ۱۰۷ عابس بدون لباس رزم به میدان می رود!
- ۱۰۸ به سوی بهتر از دنیا و ما فیها!
- ۱۰۹ دلاورتر از حسین علیه السلام ندیدند!

فصل سیزدهم: امام علیه السلام بر بالین یاران

- ۱۱۳ بر بالین رحبیر
- ۱۱۴ بر بالین حرّ
- ۱۱۵ بر بالین ماسم بر عهده
- ۱۱۵ بر بالین سبب
- ۱۱۶ بر بالین علی اکبر
- ۱۱۶ بر بالین قاسم
- ۱۱۷ بر بالین جون
- ۱۱۸ بر بالین واضح
- ۱۱۸ دوستانمان را از کوثر سیراب می کنیم!

فصل چهاردهم: اشعار شاعران کربلا

- ۱۲۰ شعری از امام علیه السلام در منزل شقوق
- ۱۲۱ استناد امام علیه السلام به شعر شاعر اوسی
- ۱۲۲ شعری از امام علیه السلام در شب عاشورا
- ۱۲۲ حماسه‌ای از امام علیه السلام در میدان جنگ
- ۱۲۳ رجزی از امام علیه السلام در روز عاشورا
- ۱۲۴ رجزی دیگر از امام علیه السلام
- ۱۲۴ شعری از امام علیه السلام در رثای برادرش عباس
- ۱۲۷ سخن آخر
- ۱۲۹ منابع

مقدمه:

به این فراز از تاریخ توجه کنید.

سید ابن طاووس از دانش‌نما بزرگ جهان اسلام و تشیع در کتاب معتبر خود به نام لهوف نقل می‌کند که بعد از ایام روز عاشورا و انتقال اسیران کربلا به کوفه، این زیاد استاندار کوفه مجلسی را فراهم کرد تا جشن پیروزی خود را در مقابله با علویون برپا کند و با به نمایش گذاشتن اسیران، سندان پیروزی را به مردم ارائه نماید و در یک مجلس بی‌نظیر کینه‌های عهد‌های فروخته خود را نسبت به آل علی علیهم‌السلام اظهار و عقده‌گشایی نماید، پس همه مردم را به این مجلس که در دارالاماره برپا شده بود دعوت نمود و در میان از دعای جمعیت دستور داد که اسیران را وارد نمایند!

فرماندهی اسیران بر عهده شیرزن کربلا دختر علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام بود، او که روزی در همین شهر کوفه به عنوان دختر امیرالمؤمنین علیه‌السلام بر کرسی تعلیم و تربیت می‌نشست و زندهای کوفی در مجلس او شرکت می‌کردند و از علوم وی بهره می‌بردند، اکنون به عنوان اسیر وارد این شهر شده، اماگویی او هنوز دختر حاکم همین جامعه است و ذره‌ای از هیبت و ابهت او کاسته نشده است.

زینب علیها السلام با کمال بی‌اعتنایی وارد مجلس شد و چنان عظمت و شوکت این زیاد را با این برخورد درهم فرو ریخت که این زیاد نتوانست سکوت کند و بر خود مسلط بماند و در نهایت غضب که ناشی از تحقیر شدن شخصیتش بود سؤال کرد که این زن کیست؟ و جواب شنید که او دختر علی است، آنگاه برای جبران تحقیری که شده بود زبان به شماتت گشود و گفت:

«الحمد لله الذي فضحكهم وأكذب أحدوئكم!»

خدا را شکر که مفتضح شدید و خداوند دروغ بودن ادعاهای شما را اثبات نمود!

زینب پس در کسالتی دندان شکن با شهادت کامل جواب داد:

«إمامنا نضح باسق و يكذب الفاجر و هو غيرنا»

آنها که با سقند مفتضح و رسوا می‌شوند و اهل فسق و فجور ناچار به دروغ‌گویی می‌شوند و حمد ما چنین نیستیم.

این زیاد که جواب تندى شنیده بود گفت: دیدی خدا را برادررت و خاندانت چه کرد! چگونه دیدی کار خدا را؟!!

و اینجا بود که زینب کبری کلام تاریخی خود را بر زبان جاری ساخت و بلندترین کلامی را که ممکن بود در وصف عاشورا گفتند سود بیان کرد:

«ما رأيت إلا جميلاً، هؤلاء قوم كتب الله عليهم القتلى، ففرزوا إلى مضاجعهم، و سيجمع الله بينك و بينهم، فتحتاج و تخسرين، فانظر لمن الفلج يومئذ، هبلتك أمك يابن مرجانة!»^۱

من جز زیبایی ندیدم! آنان کسانی بودند که خداوند سرنوشت‌شان را شهادت تعیین کرده بود، لذا با شهادت به جایگاههای ابدی خود رفتند، اما خداوند به همین زودی تو و آنان را در یک جا

گرد هم خواهد آورد و تو باید پاسخگوی اعمالت باشی و برای محکمه الهی جواب آماده نمایی. حال بنگر که در آن محاکمه، سرفرازی و پیروزی از آن چه کسی خواهد بود؟ مادرت به عزایت بنشیند ای پسر مرجانه!

شگفت آور است که حضرت زینب نمی گوید: من زیبایی دیدم، بلکه می گوید:

جز زیبایی ندیدم!

سین زینب کبری نیاز به تأمل و تدبیر فراوان دارد زیرا امام سجاد علیه السلام در توصیف عثمان بن ماسون فرمود:

بنت رسول الله عالمة غیر معلّمة فهمة غیر مفهمة^۱

شده خدا که تمام دانشی بهره مند هستی که با تعلیم و تعلّم عادی به دست نمی آید و درک بالا و نبرتری برخوردار می باشی!

این کلام تأیید فوق العاده ای است که نشان می دهد زینب کبری قریب به عصمت بود، و به همین دلیل باید در سین وی دقت کرد. حضرت زینب در مقام شعرسرایی و مبالغه نبوده و عین واقعیت را گفته است، اما درک این واقعیت نیازمند به تحلیل عمیق نهضت عاشورا دارد، آن را در این راویة خاص.

به راستی اگر ما از نگاه زینب کبری به کربلا بنگریم چه بینان نگاه ما دچار تغییر خواهد شد و تجزیه و تحلیل ما نسبت به این حماسه بزرگ متحوّل خواهد شد!؟

* * *

تاریخ کربلا و فرهنگ عاشورا از دیدگاه های متفاوت و زاویه های متنوعی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته و از هر جهتی که مورد ارزیابی واقع شده

درسها و عبرتهای فراوان و آموزه‌های بی‌بدیل داشته است.

جریان کربلا از نظرگاه عقیدتی و نگرش ناب شیعی بسیار حائز اهمیت بوده و اصول محکم اعتقادی تشیع را توأم با منطق قوی و متین تبیین می‌نماید.

از جنبه تاریخی و تحلیل جامعه‌شناختی و نقش خواص در اصلاح و افساد جامعه دینی، جریان کربلا یک نمونه بی‌نظیر می‌باشد که از شفافیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده و قابل فهم برای همگان است.

تأثیرگذاری حادثه کربلا در روند تاریخ اسلام و تعمیق فرهنگ شیعی از جهت مختلف، اهل تأمل و عبرت آموز می‌باشد که اگر تحقیقی گسترده در این زمینه انجام گیرد، این مفیدی برای جامعه دینی در پی خواهد داشت.

تأثیر حادثه اشراوت حضرت حسینی در متون ادبی جهان اسلام و همچنین آداب و سنن اجتماعی مسلمانان از زوایای مختلف قابل بررسی می‌باشد که البته کارهای خوبی در این زمینه انجام گرفته است، لیکن هنوز جای کار بسیار است. از جمله سوآلی که کمتر به آن پرداخته شده این است که چرا تاریخ کربلا زنده مانده است و فرهنگ عاشورا پویاتر و شدادارتر، پیوسته در حال گسترش است؟ در جوهره نهضت امام حسین (علیه السلام) چه جاذبه‌هایی وجود دارد که بعد از گذشت صدها سال هیچ خمودگی و رخوتی در این فرهنگ احساس نمی‌شود؟ و رشد و بالندگی آن قابل درک و لمس است!

تأمل در جاذبه‌های فرهنگ عاشورا که موجب بقا و استمرار رسکوه و بالندگی آن شده است همچون دستیابی به گنج با ارزشی است که می‌توان با بهره‌مندی از آن در انتقال این فرهنگ به نسل جوان، تحولی شگرف و جهشی فوق‌العاده ایجاد کرد.

دیدگاه زینبی به نهضت عاشورا می‌تواند جاذبه‌های این نهضت را نمایان تر ساخته و راه را برای ارائه هر چه بهتر این مکتب هموار سازد.

آری از نگاه حضرت زینب علیها السلام، کربلا زیباترین تابلویی است که در عالم بشریت ترسیم شده و برترین حقایق در محسوس ترین شکل بر آن نقش بسته و دور دست ترین افقها در آن به وضوح نشان داده شده است.

زینب علیها السلام دانش آموخته مکتب امام العارفین حضرت حسین علیه السلام است که در دعای عرفه خویش با صراحت بیان می‌کند:

«الهی علمت باختلاف الاثار و تنقلات الاطوار ان مرادك مني ان

تتعرف الي في كل شيء حتى لا اجهلك في شيء»^۱

بارالها! با پی در پی بودن آثار تو و دگرگونی حالت‌های آنها دریافتم که مقصد تو از خلقت من آن است که تو خود را در هر چیزی به سر بشناسی،^۲ اینکه نسبت به تو در هیچ چیز جاهل نباشم.

اگر زینب کبری می‌گوید: «ارایت إلا جمیلاً» برای این است که شهود اسماء و صفات حق در متن حوادث و حسیط بر دمه اشیا که قطعاً توأم با شهود جمال و زیبایی حق می‌باشد، جایی برای مشاهده غیر زیبا نمی‌گذارد!

گرچه در نگاه اول، سیاهی موجب تکدر خاطر و ملال آور است، اما برای نمایان ساختن سفیدی و روشنائی و ظهور کامل نور کمند شایانی می‌نماید و با زشتی خود بر زیبایی نور می‌افزاید! همان گونه که سیاهی روان و موی سر بر جذبۀ چهره آدمی می‌افزاید و زیبایی آن را دو چندان می‌سازد.

در کربلا رفتارهای بسیار زشتی از دشمنان حضرت حسین علیه السلام صادر شد که نشانگر انتخاب غلط و نادرست آنان بود و موجب سقوط و انحطاطشان از مرتبۀ انسانی شد، اما ظلمت رفتار آنان فضایی را پدید آورد که همه چشم‌های بینا غرق در تماشای انتخاب زیبای یاران امام حسین علیه السلام شدند و چنان در این زیبایی خیره ماندند که فرصتی برای مشاهده زشتیها باقی نماند! و بدیهی است

۱. اقبال الاعمال، ص ۳۴۸، دعای عرفه امام حسین علیه السلام.

نگاه نافذ زینب که در دامان علی و فاطمه تربیت یافته و در کنار دو امام بزرگ، سروران جوانان بهشتی رشد و نمو داشته است، بیشتر و بهتر از دیگران متوجه آن زیباییها بود و چون از عمق زیباییها نیز خبر داشت در افق گسترده تری به تماشای زیباییهای کربلا می پرداخت.

* * *

در این کتاب سعی شده است با نگاهی زینبی به جریان کربلا نگریسته شود و یک بار دیگر - قهای، زرین و در عین حال خونین تاریخ کربلا ورق زده شود و زیباییهای آن که زینب کبری می دید و بدانها می بالید تقدیم شیفتگان نهضت پر افتخار عاشورا گردد به امید آنکه نفس مسیحایی سیدالشهداء و الطاف خواهرش در این سیر معنوی ما در سان ما باشد، انشاء الله.

اللهم اجعلنا من أهل اليقين ومن شعبة أمير المؤمنين عليه أفضل صلوات المصلين.

محمد محمدیان